



### راه مواجهه با متون قدسی قطع نشده است/ ضرورت گفتگو با دنیای مدرن

ان شالاله رحمتی در نشست «پرسش از امر دینی در عصر حاضر» با بیان اینکه وجه سلبی در آرای عبدالکریمی نسبت به وجه ایجابی غالب است، گفت: راه مواجهه با متون قدسی چیزی نیست که امروز قطع شده باشد.

ان شالاله رحمتی در نشست «پرسش از امر دینی در عصر حاضر» با بیان اینکه وجه سلبی در آرای عبدالکریمی نسبت به وجه ایجابی غالب است، گفت: راه مواجهه با متون قدسی چیزی نیست که امروز قطع شده باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، ان شالاله رحمتی در دومین روز از نشست «پرسش از امر دینی در عصر حاضر» که به بازخوانی روایت بیژن عبدالکریمی از امر دینی اختصاص دارد، گفت: عنوان بحث من گشودگی به ساحت قدس است. یکی از بحث های کتاب دکتر عبدالکریمی هم پایان گشودگی به ساحت قدس است. فکر می کنم بحث ایشان تبیینی نیست و بلکه توصیفی است و گزاره ها را به صورت جرئیه مطرح می کنند. دسترسی ما به ساحت قدس را ایشان از مجرای کتب قدسی و وحیانی در نظر می گیرند. دکتر عبدالکریمی نوعاً نگاه شان به حیات دینی در این بخش از کتاب یک وجه حسرت بار دارد. به این معنا که آن چه تحت عنوان گشودگی ساحت قدس می دانند آن را امری مثبت می دانند که ما آن را از دست داده ایم.

وی افزود: این احساس حسرت، ایشان را با افرادی که به پایان امر دینی قائل اند متمایز می کند. یعنی ما یک کمالی را از دست داده ایم اما الان بازیابی آن برایمان دشوار شده است. نکته دیگر این است که ایشان ضرورت بازیابی این ساحت و گشودگی را متذکر می شود. یعنی نمی توانیم زندگی را بدون آن ادامه دهیم. تا این جا با بحث ایشان موافق هستم. اما وجه سلبی بحث ایشان غالب است. تنها بخش ایجابی بحث شان آن جایی است که راه این گشودگی را به کسانی مثل کربن و گادامر نسبت می دهند که امیدوارم این بحث را بیشتر توضیح دهند.

ان شالاله رحمتی سپس گفت: ایشان معتقدند که مواجهه هرمنوتیکی با متون مقدس برای ما گشودگی را رقم می زند. سوال من این است که راه حل چیست؟ ضرورت این بحث در کتاب ایشان گفته شده اما راه حل و این که چه باید کرد را نگفته اند. در دوران مدرن وضعیت ما با همه تاریخ متفاوت است. وقتی از مواجهه با متون مقدس صحبت می کنیم این که باید قرآن را آن گونه که هست بخوانیم و در زندگی به کار بریم هم مهم است. به قول سهروردی قرآن را چنان بخوان که گویی در شأن تو نازل شده است. علاء الدوله سمنانی می گفت قرآن را با پیامبران وجودت بخوان. قرآن با عیسی و موسی و ابراهیم وجود تو سخن می گوید.

وی اظهار داشت: عرض من این است که این نوع مواجهه با متون قدسی چیزی نیست که امروز قطع شده باشد. در گذشته نیز وضع بشر بهتر از این نبوده. چقدر انسان ها تاکنون وجود داشته اند که این توانایی را داشته باشند؟ حافظ می گوید: گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت. درست است که امروز ولی شناسان تعدادشان کمتر است، اما در گذشته وضعیت بهتر از این نبوده است. دکتر عبدالکریمی به مفهوم تتولوژی پرداخته اند. البته به نظر من ایشان تتولوژی را به معنای تبیین و دفاع از اعتقادات دینی و الهیات به معنای اخص در نظر می گیرند.

ان شالاله رحمتی در ادامه خاطرنشان کرد: ایشان می گویند الهیات وجود داشته و توسط تفکر مدرن دچار چالش شده اما وجه دیگری را هم باید در نظر بگیریم که به آن حکمت یا تتوسوفی گفته می شود؛ یعنی علم آفاقی-انفسی. علمی که جهان شناسی عالم و مراتب آن را برای ما تصویر می کند. حکیمان نه تنها به دنبال شناخت بیرون از خود نبوده اند، بلکه به دنبال شناخت درون خود نیز هستند. یعنی انسان که جهان صغیر است با جهان کبیر تناظر دارد.

وی افزود: در حکمت وجه انفسی وجود دارد که غیر از سوژکتیویسمی است که امروز گفته می شود. چرا که امر انفسی در تناظر با امر آفاقی است. دعوایی که همیشه فلاسفه و عرفا و اهل ظاهر با اهل باطن داشته اند حکایت از این دارد که برای اهل ظاهر گشودگی به ساحت قدس وجود نداشته و چنین درکی از قرآن و متون مقدس نداشته اند. به همین دلیل ملاصدرا در اوج حکومت دینی دوران شیعه نمی تواند در مرکز حکومت شیعه زندگی کند و تن به یک تبعید خودخواسته در روستای کهک می دهد. یا شهادت سهروردی که از ناحیه سکولار ها نبوده بلکه از ناحیه دین داران و اهل تتولوژی بوده است. این وضعیت در گذشته وجود داشته و امروز فقط تشدید شده است.

ان شالله رحمتی سپس عنوان کرد: همیشه عده ای که سعی می کرده اند متون مقدس را با گوش جان و پیامبر درون شان بشنوند اندک بوده اند. امروز گروه دین داران ظاهر اندیش و گروه دین داران با عقلانیت سکولار با هم جمع شده اند. هر دو بر این که در این متون پیامی برای شنیدن وجود ندارد و کسی با ما سخن نمی گوید اتفاق نظر دارند. اگر سهرودی در زمان خودش با گروهی از فقیهان متحجر مشکل داشت و آن ها اجازه نمی دادند حرف سهرودی شنیده شود و او را به شهادت رساندند امروز هم این ظاهر اندیشان و متحجران در دین وجود دارند و هم آن گروه سکولار ها. ابزارهایشان نیز قوی تر شده و کار دشوارتر شده است.

وی اظهار داشت: اخباریون وظاهریون هم می گفتند ما راهی برای ارتباط با ساحت قدس نداریم. در سنت شیعی ما، مفهوم غیبت و مفهوم انتظار مهم است. معمولاً از غیبت و انتظار تفسیری اجتماعی داریم. به این معنا که امام زمان(عج) غائب است و در پایان تاریخ ظهور می کند و کارکردی اجتماعی دارد، یعنی جهان پر از ظلم را پر از عدل و داد می کند. اما بهتر است از منظر تفکر شیعی در نظر بگیریم. اولاً به نظرم مفهوم غیبت شبیه به مفهوم مرگ خدا که نیچه مطرح می کرد، نیست. مرگ خدا با غیبت خدا خیلی متفاوت است. مرگ خدا یعنی اصلاً خدایی دیگر وجود ندارد و یا دیگر به او نیاز نداریم. اما در تفکر غیبت خدا می گوئیم خدا هست نه این که ما دیگر نیازی به خدا نداریم، بلکه علی رغم نیازی که داریم آن دسترسی را دیگر از دست داده ایم.

ان شالله رحمتی همچنین گفت: در حکمت ما مفهوم انتظار نیز متفاوت است. انتظار ظهور معنایی است که در متن مستتر است. کارکرد امام در اصطلاح شیعه این است که امام معلم تأویل است. اختلاف شیعه و سنی به نظر من بر سر جانشینی پیامبر نبود، بلکه بحث سر این است که وقتی که پیامبر از دنیا رفت و هر دو گروه اعتقاد به خاتم بودن ایشان داشته اند پس آیا بعد از پیامبر دیگر کاری با آسمان و خدا نداریم و ارتباط ما با خدا قطع شده؟ ادعای شیعیان این بود که تنزیل تمام شده است، اما ما تازه ابتدای راه هستیم. نامه ای به ما داده شده و تا روز قیامت به آن نیاز داریم و تازه باید شروع به خواندن آن کنیم. اما هیچ عقل سلیمی نمی تواند بگوید که با صرف خواندن آن نامه به هرچه می خواهیم دست می یابیم. تنزیل تمام شده اما حالا نیاز به کسی برای تأویل داریم. در دوران غیبت نیز باز هم نیاز به خواندن و تأویل آن متن داریم.

وی سپس گفت: درباره انتظار آن چه که در حکمت ما بیشتر تأکید شده انتظار فردی و انفسی است، یعنی واقعه ظهور امام باید برای همه ما رقم بخورد. این یک حیات مقدس را برای ما تضمین می کند. این امکان هنوز هم برای ما وجود دارد و این گونه نیست که این امکان را از دست داده باشیم. سخت شدن شرایط با منتفی شدن این امکان فرق دارد. اما فیلسوفانی که نمی توان آن ها را ذیل مفهوم تتولوژی قرار داد بلکه باید ذیل عنوان تتوسوفی آن ها را قرار داد، نگاه شان چگونه است؟ در فیلسوفان ما که حکیم هم هستند دو وجه حکمت و حکایت را باید در نظر گرفت.

ان شالله رحمتی در ادامه عنوان کرد: مثلاً کتاب حکمت الاشراق سهروردی قطعاً با کتب کلامی متفاوت است. سهروردی هم تعقل دارد و هم تأله. یعنی ارتباط وجودی و انفسی نیز نیاز است. علم آفاقی باید برای ما تبدیل به یک علم انفسی بشود. به همین دلیل سهروردی می گوید برای فیلسوف تن باید برای او حکم جامه را پیدا کند که هر گاه خواست آن را به تن کند و درآورد. میرداماد در رساله خلیه مکاشفه ای را توضیح می دهد که می گوید در آن مکاشفه من خلع بدن کردم. یا قصه غربت غربی سهروردی که می گوید ما در مغرب وجود و هستی اسیر شده ایم.

وی همچنین اظهار داشت: رساله هایی مثل عقل سرخ، آواز پر جبرئیل و سفیر سیمرغ سهروردی صرفاً علم آفاقی نیستند، بلکه علمی انفسی اند و آن چه او به رأی العین دیده هستند. رساله هایی مثل منطق الطیر عطار و مثنوی مولانا را می توان گفت وجه حکایتی این بزرگان است که اتفاقاً در مقام خوانش قرآن این اتفاق برایشان افتاده است. حافظ می گوید: آن چه کردم همه از دولت قرآن کردم؛ این یعنی گشودگی با قرآن. معروف است که مثنوی را قرآن فارسی می گویند و حافظ را مفسر قرآن می دانند. تفسیر کبیر فخر رازی را با مثنوی مقایسه کنید. تفسیر کبیر کتاب اعجاب انگیزی است اما در آن اثری از این که قرآن با فخر رازی سخن گفته باشد را نمی بینید. اما در دیوان حافظ، مثنوی و ... سخن گفتن با قرآن را در این بزرگان می بینید.

ان شالله رحمتی در ادامه تصریح کرد: فکر می کنم ما در جهان امروز به لحاظ مواجهه با متون چند نوع مواجهه می توانیم داشته باشیم. ما یک اسلام بنیادگرا داریم که در آن هیچ مواجهه ای با متن صورت نمی گیرد و فقط باید به متن عمل کرد. این اسلام با جهان مدرن مخاصمه دارد، چون تصور می کند جهان مدرن راه او را بسته است و تنها می تواند مقابله فیزیکی با آن داشته باشد و نه مواجهه فکری. اسلام مدرن هم داریم که در آن به اسطوره زدایی از متن روی آورده می شود. مثل رودولف بولتمان در مسیحیت که پروژه خود را اسطوره زدایی از کتاب مقدس قرار داده بود.

وی افزود: اسلام سنتی هم نوعی مواجهه است که نمونه آن کسی مثل فخر رازی است. این اسلام کاری به دنیای مدرن ندارد و در نتیجه جهان بینی مدرن برای او مشکلی ایجاد نمی کند. مواجهه چهارمی هم وجود دارد که از آن به عنوان اسلام معنوی می توان یاد کرد. این اسلام متوجه دنیای مدرن و دشواری های آن است، اما در این نگاه روی جنبه هایی از متن می توان متمرکز شد که می توانند با دنیای جدید وارد گفتگو شوند. یکی از ضرورت های امروز ما گفتگو با دنیای مدرن است. البته من قائل به روش فلسفه تطبیقی برای این گفتگو نیستم که هر چیزی را قابل گفتگو بدانم.

ان شالله رحمتی همچنین گفت: کاری را در دست انجام دارم شبیه به کاری که رودولف اتو در باب گفتگو انجام داده است. به نظرم می توانیم این مسیر را برویم. مشکل عرفان های نوظهور این است که نمی توانند مراجعه عمیق به متون داشته باشند و مواجهه ای انفسی ندارند. معنویت با معنا مرتبط است و چیزی در بیرون از ماست. معنا و روح در متن وجود دارند و نیاز است که ما ارتباط مان را با متن قدسی همچنان حفظ کنیم. همچنین معنویت دغدغه اکثریت را ندارد که حتماً اکثریت به او بگردند.